

یکشنبه

۳۰ مرداد۱۴۰۱

سال نوزدهم • شماره ۴۳۵۴

www.sharghdaily.com

روزانه

در گفت‌وگوی «شرق» با احمد وحشیته مطرح شد

روسیه در کنار ایران هسته‌ای – نظامی نمی‌ایستد

احیای برجام و آینده روابط تهران – مسکو!

«**عبدالرحمن فتح‌اللهی**، آن‌گونه که به نظر می‌رسد روسیه برخلاف ادوار پیشین مذاکرات وین این بار سعی دارد که هرچه زودتر برجام احیا و توافق حاصل شود. مؤید این گزاره به واکنش‌های مثبت مسکو و نیز مواضع، مصاحبه‌ها و توییت‌های اولیانوف بازمی‌گردد که به شکل علنی خواهان احیای برجام است. کار تا جایی پیش رفت که روسیه و چین نیز همسو با آمریکا از نظر مثبت‌شان نسبت به طرح بورل گفتند. این در حالی است که برخی از کارشناسان، تحلیلگران و ناظران امر پیش‌تر معتقد بودند که با وقوع جنگ اوکراین، مسکو احیای برجام را در ابعاد و زوایای مختلف در تضاد با منافع خود می‌بیند؛ از منافع سیاسی و دیپلماتیک گرفته تا منافع تجاری، انرژی و… . دراین‌بین بعد از سفر تیر ماه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به تهران این ارزیابی هم در برخی از جریان‌های رادیکال شکل گرفته است که ایران باید با کنارگذاشتن یکباره برجام به سمت نقطه‌گرین هسته‌ای و تعامل تمام‌عیار با مسکو و پیکر گام بردارد. پرتاب ماهواره خیام و همکاری‌های فضایی ایران و روسیه و همچنین طرح مسائلی مانند همکاری تهران – مسکو با محوریت فروش پهپاد در راستای به‌کارگیری در جنگ اوکراین هم بر این نگاه دامن زد که راه نجات در تعامل با روسیه است؛ پس اقدام دوشنبه‌شب هفته گذشته دولت رئیسی در ارسال پاسخ مکتوب ایران به متن پیش‌نویس جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تضاد کامل با این ارزیابی‌ها قرار دارد. حال باید پرسید که اگر در نهایت احیای برجام حاصل شود چه تأثیری بر آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه خواهد داشت؟ این سؤالی است که «شرق» در گفت‌وگو با احمد وحشیته پی گرفته است. آنچه در ادامه می‌خوانید، ماحصل گپ‌وگفت با این تحلیلگر ارشد مسائل روسیه است.



تمام اینها فضاسازی سیاسی است که سعی دارند وانمود کنند توافق کنونی به‌مراتب بهتر از دولت روحانی است. یعنی اگر به جزئیاتی که در چند روز اخیر از محتوای مذاکرات منتشر شده، دقت کنیم، تیم مذاکره‌کننده سعی کرده است با مطرح‌کردن این مسائل نشان دهد که توانسته به تضمین‌های بالا و درآمدهای هنگفت دست پیدا کند. یعنی توافق آتی به‌مراتب بهتر و متفاوت از برجام است. اما هر آنچه که مطرح شده تنها درخواست‌های ایران از طرف آمریکایی است و واشنگتن تاکنون هیچ‌کدام از آنها را رسماً نپذیرفته. در ضمن مطمئن باشید اگر همین امروز برجام امضا شود، اولین سؤالی که تمام مردم ایران از دولت رئیسی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای خواهند پرسید، این خواهد بود که این توافق با این شرایط، چارچوب و مفاد که در دولت روحانی هم قابل حصول بود و چیزی بیش از گذشته به توافق اضافه نشده است، پس چرا باید یک سال تمام تحریم‌های آمریکا بر دوش مردم ایران باشد و هزینه ده‌ها میلیارد دلاری تحریم‌ها را بپذیرا باشیم فقط به خاطر اینکه ثابت شود حسن روحانی، محمدجواد ظریف و سیدعباس عراقچی توانستند، اما ابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللهیان و باقری‌کنی توانستند؟! این در حالی است که بسیاری از کارشناسان، ناظران، تحلیلگران و حتی رسانه‌ها بهترین توافق با بیشترین امتیازات برای ایران را همان توافقی می‌دانند که بر اساس مذاکرات عراقچی در دوره ششم روی شکل گرفته بود. ببینید برای تحلیل عمیق‌تر باید به جز نکته جدی و اساسی اشاره کرد. اولین نکته فقدان عدم اعتماد در دولت رئیسی، ویزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای با محوریت باقری‌کنی است. خود این مسئله ناشی از دو عامل است؛ نخست همان‌گونه که گفتیم، به حولات و تخریب‌های این افراد به دولت روحانی، برجام و ظریف بازمی‌گردد؛ چون به هر حال این انتقادات سطح انتظارات را از دولت جدید برای حصول توافق بالا برد است، اما مشکل اینجاست که فقط این دولت توان رسیدن به یک توافق بهتر از برجام ندارد. نکته دوم این است که تیم فعلی، مذاکره برای مذاکره مانند دولت احمدی‌نژاد را در دستور کار قرار داده، این جزو نکاتی است که باقری‌کنی به آن اشراف دارد. در همان دوران دولت دهم نیز صرفاً مذاکره برای مذاکره انجام می‌شد.

مذاکره به این نیست که یک هیئت ۴۰نفره به وین فرستاده شود و پشت میز بنشینند. این افراد باید اصول، قواعد و فنون گفت‌وگو با طرف مقابل، آن‌هم شش قدرت نظام بین‌الملل را بلد باشند. مسئله دیگر تلاش برای انحراف در افکار عمومی است. اگر دقت کرده باشید اخیراً بخشی از طیف اصولگرا که در افکار اصولگرا که به حصول توافق تن داده‌اند، برای توافق تلاش دارند این نکته به افکار عمومی تلقین شود که توافق پیش‌رو توسط دولت رئیسی، توافقی جدید، محکم و قوی‌تر از برجام است. این مسئله‌ای است که پیش و بیش از این جریان از سوی خود دولت رئیسی و تیم مذاکره‌کننده از همان ابتدا مطرح بود. در همین راستا، اگر به خاطر داشته باشید، آنان سالال گذشته باقری‌کنی و تیم مذاکره‌کننده عنوان کردند که مذاکره دوره روحانی کنار گذاشته شده و دولت رئیسی به یک متن جدید دست پیدا کرده است.

- منظور‌ترسان ادعای (ششم‌دو ۲۷/۱۴۰۰ دسامبر ۲۰۲۱) امیرعبداللهیان درباره کنارگذاشتن «سند ژوئن» در دوره عراقچی و شکل‌دادن به اسنادی تحت عنوان «سند ۱ دسامبر ۱۵ دسامبر» است؟**

دقیقاً، اما همان زمان، هم مقامات آمریکایی، هم اروپایی و حتی روس‌ها و چینی‌ها گفتند که مبنای مذاکرات جدید براساس همان مذاکراتی است که در دوره آقای عراقچی پی گرفته شد. پس مشکل کنونی این میزان از تناقض در گفته‌ها، رفتارها و عملکرد این دولت و طیف حامی پیرامون برجام است. حال دولت رئیسی برای قرار از این وضعیت سعی می‌کند مذاکرات را پیچیده، فرسایشی و بی‌فنج کند تا اصطلاحاً عنوان شود مذاکرات فعلی به‌مراتب سخت‌تر از برجام روحانی است و نتایج آن هم متفاوت از توافق پیشین است.

- اگر آن‌گونه که مطرح شد اختلاف درون جریان اصولگرا پیرامون برجام یک دعوی زگرزی نیست، واقعا این نیت وجود دارد که ایران بدون احیای برجام به سمت رسیدن به نقطه‌گرین هسته‌ای حرکت کند و اصطلاحاً بار خود را با روسیه و چین ببیند؟ چون بیرو آنچه شما در آسیب‌شناسی و کالبدشکافی از تناقض در رفتار، گفتار و عملکرد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و دولت رئیسی پیرامون گفت‌وگوهای وین و احیای برجام مطرح کردید، به نظر می‌رسد بهترین راه برای اصولگرایان در یک فرار رو به جلو فقط کنارگذاشتن برجام، رسیدن به نقطه‌گرین هسته‌ای و بستن بار با روسیه و چین است؟**

من منکر این نیستم که واقعا برخی از شخصیت‌ها، رسانه‌ها و طیف‌های رادیکال جریان اصولگرا خواستار آن هستند که ایران یک بار برای همیشه برجام کنار بگذارند، به نقطه‌گرین هسته‌ای دست پیدا کند و بار خود را هم با چین و روسیه ببندد. چون به قول شما کنارگذاشتن برجام، رسیدن به نقطه‌گرین هسته‌ای و بستن بار با روسیه و چین بهترین و کم‌هزینه‌ترین سناریوی برای منتقدان قبلی برجام است که اکنون طیفی از آنها بنا به شرایطی برای حمایت از دولت سیزدهم مجبورند درست برخلاف گذشته عمل کنند. پس همان‌گونه که من و شما به این مسئله رسیده‌ایم بی‌شک خود جریان اصولگرا هم بارها به این فکر کرده‌اند که بر این اثبات نگاه و انتقادات خود به برجام به نقطه‌گرین هسته‌ای برسند و با روسیه و چین ببینند؛ اما سؤال اینجاست که آیا این گناهی که در ایران وجود



- به نظر می‌رسد در دور نهم مذاکرات (۱۳ تا ۱۷ مرداد/۸ تا ۴ آگوست)، مسکو برخلاف ادوار پیشین رفتار منطقت‌تری درخصوص احیای برجام از خود نشان داد و بدون درخواست، پیشنهاد، مطالبه یا پیش‌شرطی از توافق حمایت کرد. چرا کرملین این بار به دنبال احیای برجام است؟ آیا یک تناقض رفتاری و عملکرد پارادوکسیکال با هدف ایجاد ابهام و انحراف در دستور کار است یا در حقیقت کماکان روس‌ها در پشت پرده باز هم به دنبال شکست مذاکرات وین هستند؟**

من معتقدم که این سؤال شما از اساس اشتباه است.

- چرا؟**

چون روسیه هیچ‌گاه به دنبال کارشکنی در مذاکرات وین و احیای برجام نبوده است. واقعیت امر آن است که این پرسش شما ناشی از همان تأثیر مخرب سیاست داخلی بر سیاست خارجی است. متأسفانه ما در داخل کشور مسائل سیاست داخلی را به حوزه سیاست خارجی گره می‌زنیم و نهایتاً به شکل مطلق‌گرایانه‌ای در حوزه دیپلماسی مسائل را بررسی می‌کنیم. بیرو همین نگاه مطلق‌گرایانه در داخل ایران برخی معتقد هستند که ایران باید روابط خود را به طور کامل با آمریکا و اروپا ببندد، غرب در هر حال خوب است و روسیه و چین دشمن ما است. در مقابل هم برخی معتقدند که تنها راه نجات کشور گسترش روابط با شرق به‌خصوص روسیه و چین است و غرب دشمن قسم‌خورده ما هستند؛ اما در حوزه سیاست خارجی رفتار هر کشوری در قبال هر مسئله‌ای یک رفتار کاملاً نسبی و براساس منافع ملی است. من بارها به این نکته تأکید داشته‌ام که ایالات متحده آمریکا و روسیه، حتی بعد از وقوع جنگ اوکراین در قبال هر چیزی و هر مسئله‌ای با هم اختلاف نظر داشته باشند، در یک مسئله اشتراک نظر دارند و آن هم نرسیدن ایران به نقطه‌گرین هسته‌ای است؛ یعنی مسکو و واشنگتن در قبال احیای برجام هیچ‌گونه اختلاف نظری ندارند. یک نکته‌ای که مطرح است این است که به نظر من در جریان مذاکرات وین با طراحی سناریوی پلیس خوب و پلیس بد اکنون نقش پلیس خوب به روسیه و اولیانوف سریده شده است و متأسفانه ایران هم در سایه این مسئله قرار گرفته است؛ چون اروپایی‌ها و به‌خصوص آمریکا به طور سلبی خواهان فشار به ایران برای پذیرش مذاکره و برجام هستند و در مقابل روسیه و چین با نگاه ایجابی سعی می‌کنند تهران را به سمت توافق بکشانند. پس هر دو طرف تلاش دارند که جمهوری اسلامی روی خط ریل مذاکره و احیای برجام حرکت کند. اتفاقاً همین چند وقت پیش بود که وزارت امور خارجه روسیه در یک بیانیه رسمی اعلام کرد که هیچ نقظه‌سازگین و اصطلاحاً پلن B برای برجام وجود ندارد. مخاطب اصلی این بیانیه فقط جمهوری اسلامی ایران است که تصور نکند اگر مذاکرات تا تأخیر بیفتد یا آن را به نحوی به شکست بکشاند، می‌تواند این ارزیابی را داشته باشد که روی روسیه حساب باز کند.

- از دوشنبه هفته گذشته و با ارسال پاسخ مکتوب ایران به متن پیش‌نویس اتحادیه اروپا فضای سیاسی کشور تغییرات معناداری پیدا کرده است. از تشدید کسل‌اولگرایان تا افزایش امید در جامعه. تک‌به‌تک این دو مورد را با شما بررسی کنیم. اول از مثبت‌شدن فضا بگوییم. این روزها افزایش امید برای احیای برجام را جدی می‌دانید؟**

ببینید، هم ایران، هم ایالات متحده آمریکا، هم روسیه و چین و هم اروپایی‌ها و در کل تمام جامعه جهانی به مذاکره و احیای برجام نیاز دارند؛ چون هیچ‌کدام از طرفین هیچ نقظه‌سازگین یا همان پلن B ندارند.

- نقشه‌سازگری‌ها میان پلن B و پلن A یعنی طرح کلیدوازه پلن B آن‌گونه که حسین امیرعبداللهیان در نشست خبری دوشنبه هفته گذشته به آن اشاره کرد، یک رست دیپلماتیک است؟**

بله؛ البته نه درخصوص ایران بلکه در رابطه با همه طرف‌ها به‌خصوص آمریکا هم این نکته صدق می‌کند. حداقل روسیه در بیانیه‌های که وزارت امور خارجه این کشور منتشر کرد و من به آن اشاره کردم، به‌صراحت عنوان کرده است هیچ نقشه‌سازگینزی برای برجام و مذاکرات وین وجود ندارد. باین‌حال متأسفانه جمهوری اسلامی ایران تصویر و ارزیابی غلطی درباره حمایت روسیه از خود دارد. در سایه همین ارزیابی غلط، اگرچه این روزها امیدها برای برجام پرترنگ‌تر شده است، اما باز هم ساز ناوک برجامی در داخل ایران به گوش می‌رسد و هنوز هم برخی معتقدند نباید در هر صورتی برجام احیا شود. اما به نظر من نباید این‌س جریان را چندان جدی گرفت و باید به احیای برجام امیدوار بود؛ چون همان‌گونه که گفتیم ایران هم نقشه‌سازگینزی برای برجام ندارد.

- شاید به باور شما نباید مخالفت‌های چند روز اخیر را جدی گرفت، اما مسئله تا استیضاح امیرعبداللهیان هم پیش‌رفته است.**
- استیضاح حسین امیرعبداللهیان چیز تازه‌ای نیست؛ چون سال گذشته هم مجدداً مسئله استیضاح وزیر امور خارجه دولت رئیسی مطرح شد.**

- ولی سال گذشته استیضاح در مجلس کلید زده شد، این بار در صداوسیما؟**

این بار هم همین است. فقط برخی هم از خارج مجلس و در صداوسیما به این مسئله پرداخته‌اند. اتفاقاً سال گذشته استیضاح امیرعبداللهیان به‌مراتب جدی‌تر از ادعای چند روز گذشته برخی مخالفان برجام برای برکناری وی از تریبون صداوسیما بود.

- چطور؟**

چون آن زمان شنیده‌ها حاکی از آن بود که نمایندگان مجلس یازدهم استعلام گرفته بودند که اجازه و امکان استیضاح و برکناری حسین امیرعبداللهیان فراهم شود. اتفاقاً همان وقت مطرح بود که جایگزین وی همین علی باقری‌کنی، معاون سیاسی فعلی و مذاکره‌کننده ارشد باشد. در ضمن اگر به خاطر داشته باشید، در مذاکرات زمستان سال گذشته، مهدی صفری، معاون اقتصادی فعلی وزارت امور خارجه، در وین حضور پیدا نکرد که بسیاری معتقد بودند این مسئله نشئت‌گرفته‌تن برخی اختلاف‌های داخلی وزارت امور خارجه بود.

- صفری خود از گزینه‌های تصدی وزارت امور خارجه بود؟**

دقیقاً؛ به هر حال مهدی صفری خود گزینه‌ای بود که از طرف علی‌اکبر ولایتی برای تصدی وزارت امور خارجه پیشنهاد شد.

- به نکته دوم هم برسیم. فارغ از این فضای مثبت، اختلاف‌های داخلی اولگرایان ذیل تقابل نواصلگرایان و جریان انقلابی بر سر برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

وجود اختلافات در بنطن و درون جریان اصولگرایی درباره برجام یا هر مسئله دیگری کاملاً طبیعی است. به هر حال این جریان اکنون کل مملکت را در دست گرفته است و با پروژه یکدست‌سازی قدرت توانسته تمام ارکان اجرائی و نظارتی را تحت سیطره خود درآورد؛ بنابراین اختلاف‌هایی که وجود دارد ناشی از تقسیم قدرت و ثروت بین افراد و احزاب درون جریان اصولگراست که به برجام و دیگر مسائل کشیده می‌شود. طیفی از جریان اصولگرایی به نام تقابل ایدئولوژیک با کاسیسی تحریم، منافع و سود سرازاری را از تداوم و تشدید تحریم‌ها و عدم احیای برجام می‌برد؛ بنابراین در مقابل هر فرد، جریان و دولتی، حتی دولتی منتسب به خود هم برای احیانشدن برجام خواهند ایستاد؛ چون اینجا مسئله منافع است که تعیین می‌کند چه رفتاری درخصوص چه موضوعی در دستور کار قرار بگیرد. اما اینجا مسئله مهم‌تری وجود دارد.

- چه مسئله‌ای؟**

اینکه منافع و امنیت کشور به یک نقطه حساس رسیده است. این حساسیت به حدی است که می‌تواند منافع کاسیان تحریم را تحت‌الشعاع قرار دهد. این تیین موضوع



درخصوص ماهواره خیام دو روایت وجود دارد؛ روایت اول آن است که قرارداد ماهواره خیام به سال ۲۰۱۶ برمی‌گردد که قرار بود همان سال طراحی و ساخته شود و سال ۲۰۱۸ به ایران تحویل داده شود. روایت دوم که دولت رئیسی بر آن تأکید دارد این است که این قرارداد در سال ۲۰۱۸ امضا شد و اکنون در دولت سیزدهم به ایران تحویل داده شده است. اما عطف به تویییتی که آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت روحانی زد، به نظر می‌رسد ماهواره خیام نتیجه تلاش‌های مشترک دولت‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم است. پس باید گفت که قرارداد ساخت و طراحی ماهواره خیام در سال ۲۰۱۶ در حاشیه نمایشگاه هوایی مسکو امضا شد. در ضمن ماهواره خیام در زمره ماهواره‌های تجاری قرار دارد